

بررسی طرح تاج شاهان در سکه های ایران از دوره هخامنشی تا ساسانی

ابوالقاسم دادور^{۱*}، لیلامکوندی^۲

^۱ دانشیار گروه پژوهش هنر، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد هنرهای اسلامی، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۶/۱، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۰/۱۲/۱۳)

چکیده

همواره در تاریخ پادشاهی دنیا شاهی بدون تاج قابل تصور نیست. پادشاهان ایرانی نیز از این قاعده مستثنی نبوده‌اند. تاج شاهان ایران باستان به عنوان یکی از مظاهر سلطنت و قدرت، در آثار هنری گوناگونی همراه با نقش پادشاه در حالی که وی را از دیگر اشخاص متمایز می‌سازد، نمایان شده است. یکی از آثار هنری مهم که نقش شاهان ایران همراه با نماد قدرتشان یعنی تاج، بر روی آنها توسط هنرمندان خوش ذوق و قریحه‌ی ایرانی حک شده است، سکه‌ها می‌باشند. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تاریخی است که از طریق گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و اسنادی و نیز مشاهده سکه‌ها در برخی موزه‌ها انجام پذیرفته است؛ ضمن اینکه مطالعه سیر تحول طرح تاج شاهان دست‌یابی به تفاوت‌ها و تشابهات تاج‌ها را امکان پذیر می‌نماید. در این جستار تلاش نگارندگان بر این است که، سیر تحول تاج شاهان نقش شده بر روی سکه‌های سه امپراتوری بزرگ ایران باستان (هخامنشی، اشکانی و ساسانی) را مطالعه نمایند. هدف از بررسی تاج شاهان در ادوار تاریخی ایران باستان شناخت، بازشناسی، تشخیص و تفکیک آنان از یکدیگر از طریق مطالعه سکه‌ها می‌باشد؛ چرا که هر پادشاهی تاج مخصوص به خود را داشته و بعضاً علاوه بر طرح تاج نقوش، جنس و نمادهای مورد استفاده متفاوت بوده است.

واژه‌های کلیدی

تاج، سکه، شاه، نقوش نمادین.

مقدمه

محققان در بررسی تاج^۱ شاهان در هر دوره تعدادی از سکه‌های به‌دست آمده را انتخاب نموده‌اند. از دوره هخامنشی به علت اندک بودن تعداد سکه‌ها نسبت به ادوار دیگر سعی شده که از هر شاه این دوره سکه‌ای معرفی شود. اما در دوره‌های اشکانی و ساسانی به علت تعداد زیاد شاهان و این که از هر شاه چندین سکه یافت شده است، و نیز از این جهت که تاج برخی از شاهان شباهت بسیاری به یکدیگر دارند، بنابراین نگارندگان از ذکر موارد تصویری تکراری برای خلاصه و مفید بودن مقاله امتناع کرده‌اند؛ و از دوره اشکانی ۱۲ سکه و ساسانی ۱۷ سکه معرفی شده است.

سکه‌ها از برجسته‌ترین آثار هنری ایران زمین هستند که، گوشه‌ای از راز و رمز دنیای باستان را، برای بشر در جستجوی حقیقت امروز آشکار می‌کنند. سکه‌ها بازگو کننده بسیاری از حقایق دفن شده در تاریخ‌اند. این آثار فلزی کوچک، سند معتبری بر رویدادهای دوران مختلف ایران هستند. گاهی بررسی و آگاهی از تصاویر حک شده بر روی سکه، می‌تواند به انتصاب سکه به شاه خاص یا دوره‌ای خاص یاری برساند. یکی از نقوش مهم نقر شده بر روی سکه‌ها که ما را در این راستا یاری می‌رساند و موضوع اصلی این مقاله قرار گرفته، نقش تاج شاهان ایران باستان است.

پیشینه تحقیق

سکه‌های پیش از اسلام در ایران موضوع مورد علاقه بسیاری از محققان برای مطالعه بوده است. از جمله "پوپ" در کتاب «سیری در هنر ایران» به معرفی و بررسی سکه‌های آن دوران پرداخته است. از بین محققان ایرانی بیش از همه "ملک‌زاده بیانی" مطالعه تخصصی خود را بر سکه‌های ایران متمرکز کرده است و در این زمینه کتاب ۲ جلدی «تاریخ سکه» را تألیف نموده است. از منابع مذکور و دیگر منابعی که کم و بیش به مطالعه موردی سکه‌ها پرداخته‌اند، هیچ‌کدام به آنالیز طرح تاج شاهان روی سکه‌ها (به غیر از تاج شاهان ساسانی) توجه نداشته‌اند. در این مقاله سعی شده، تا مطالب و موضوعات جدیدتری نسبت به منابع مذکور بیان گردد.



تصویر ۱- سکه ضرب لیدی که تا زمان ضرب سکه شاهی دوره هخامنشی در ایران رایج بوده است. ماخذ: (شهبازی، ۱۳۸۴، ۱۰۹)

(آخرین شاه لیدی که مغلوب کوروش شد)، پول متداول در ایران نیز شد (تصویر ۱).

ضرب سکه در دوره هخامنشی: پس از تصرف لیدی و آشنایی کوروش با سکه و پی بردن به اهمیت وجود سکه در شکل‌گیری معاملات تجاری و درک زمینه‌سازی سکه برای پیشرفت در اقتصاد، همان سکه‌های ضرب لیدی را در ایران ترویج داد. زمانیکه داریوش بزرگ در سال ۵۲۲ قبل از میلاد به سلطنت رسید، تلاش کرد تا بر اوضاع اقتصادی و اوزان کشور سروسامانی بدهد. به موازات این اهداف واحد پول یکسانی توسط وی تعیین گردید، و به ضرب سکه‌های شاهی مبادرت ورزید.

تصاویر کلی سکه‌های هخامنشی: تصویر اصلی محکوک بر روی سکه‌های هخامنشی^۲ عموماً به یک صورت مشخص



تصویر ۲- سکه از خشایارشا، شاه به صورت کماندار بازنمایی شده است. ماخذ: (هینلز، ۱۳۸۸، ۱۵)

سکه‌های هخامنشی

"هرودوت" در کتاب «تاریخ» خود اشاره می‌کند: «تا آنجا که من اطلاع دارم لیدی‌ها اولین قومی به شمار می‌روند که سکه زر و سیم به کار برده‌اند و به کار خرده فروشی پرداخته‌اند» (هرودوت، ۱۳۸۰، ۵۷). بر اساس این گفته مردم لیدی موفق شده بودند، اولین سکه‌هایی که نزدیک‌ترین شکل را به سکه‌های حال دارد، ضرب کنند و افتخار این اختراع مهم بشری را نصیب خود کنند. بعد از آن سکه در اختیار قدرت پادشاهان سه امپراتوری بزرگ ایران قرار گرفت، همچنین ابزاری برای تبلیغ فرمانروایان ایران باستان شد. «بدین ترتیب سکه یک بیانیه رسمی قدرت محسوب می‌شد و به منظور تبلیغ و شناساندن نظریه‌های سیاسی و یا مفاهیم ایدئولوژی، ضرب و در جریان قرار داده می‌شد» (لوکونین، ۱۳۸۹، ۸۶).

ایرانیان توانستند از طریق تصرف لیدی به یکی از اختراعات مهم بشری یعنی ضرب سکه دست بیابند. تا زمانیکه سکه‌های شاهی هخامنشی ضرب شود، مسکوکات رایج در زمان کروزوس

نمایان شده است؛ در روی سکه‌های دریک (داریوش) تصویر شاه در حالتی حک شده است که وی پای راست خود را بر زمین تکیه داده و کمانی را با دست چپ خود نگه داشته و با دست دیگرش نیزه یا خنجر حمل می‌کند. در برخی سکه‌ها شاه با دو دست خود در حال کشیدن زه کمان است. «این سکه را یونانیان به سبب بازنمایی شاه به صورت کماندار بر روی آن، «کماندار» نامیده‌اند» (بریان، ۱۳۸۵، ۶۳۷) (تصویر ۲).

بر روی سکه‌های هخامنشی غیر از تصویر شاهنشاه نقش دیگری حک نشده، و در پشت سکه‌ها عموماً تصویر خاصی حک نشده است؛ تنها فرورفتگی‌های چهارگوش نامنظمی که شاید نماینده تصویر خاصی باشد، در پشت مسکوکات نمایان شده است.

نقش تاج شاهان هخامنشی بر روی سکه‌ها: نقش تاج شاهان هخامنشی که بر روی سکه‌های این دوره حک شده است، عموماً به صورت دندان‌های ظاهر گشته‌اند. «پوشش سر شاه، که تاجی با کنگره‌های نوک تیز است «کیداریس» خوانده می‌شود» (پوپ، ۱۳۸۷، ۵۰۸). تاج پادشاهان هخامنشی بسیار ساده و شکلی بر روی سکه‌های این دوره نقر گردیده‌اند و فقط در جزئیات اندکی همچون ارتفاع تاج، اندازه و فاصله دندان‌ها و یا شکل ظاهری دندان‌ها با یکدیگر تفاوت دارند.

نگارندگان به منظور بررسی دقیق‌تر طرح تاج شاهان هخامنشی بر روی سکه‌های این دوره جدول ۱ را تنظیم نموده‌اند.

جدول ۱- طرح تاج شاهان هخامنشی.

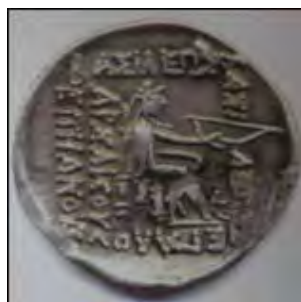
ردیف	نام شاهان	تاریخ	طرح کلی تاج	ویژگی اصلی تاج	تصویر سکه‌ها	طرح تاج
۱	داریوش اول	۴۸۵-۵۲۱ ق.م	دندان دار	تاج وی نسبتاً کوتاه است. دارای پنج دندان است که به صورت پیوسته بر روی صفحه مدور تاج قرار گرفته‌اند.		
۲	خشایارشا	۴۵۸-۴۶۵ ق.م	دندان دار	تاج خشایارشا از تاج داریوش کوتاه‌تر است. تاج پنج دندان‌های وی به صورت مجزا و با فاصله روی حلقه مدور تاج نشسته‌اند.		
۳	اردشیر اول	۴۶۵-۴۲۵ ق.م	دندان دار	پنج دندان‌های تاج اردشیر اول به حلقه‌های زیرین تاج پیوسته است.		
۴	کوروش دوم	۴۰۱-۴۰۰ ق.م	صاف و بدون دندان	تاج کوروش جوان یگانه تاج بدون دندان است که بر روی سکه‌های هخامنشی نمایان شده است.		
۵	اردشیر دوم	۴۰۰-۳۵۹ ق.م	دندان دار	بر روی سر وی تاجی با چهار دندان کوتاه با فاصله زیاد از یکدیگر قرار گرفته است.		
۶	اردشیر سوم	۳۵۹-۳۳۷ ق.م	دندان دار	تاج اردشیر سوم دارای پنج دندان است. دندان‌های باریک تاج وی با فاصله زیادی از یکدیگر قرار گرفته‌اند.		
۷	داریوش سوم	۳۳۷-۳۳۰ ق.م	دندان دار	تاج آخرین شاه هخامنشی دارای پنج دندان است، با این تفاوت که دندان‌ها از حالت مضرس به شکل کنگره بدل گشته‌اند.		

سکه‌های اشکانی

مورخین اعتقاد دارند که، فرهنگ و تمدن ایرانی با روی کار آمدن اشکانیان تجدید حیات یافت. پارتیان که نتوانستند در برابر بیگانگان گردن خم کنند، با پیام آزادیخواهی ارشک با هم متحد شده و در سال ۲۵۶ قبل از میلاد به رهبری وی بر کلیه سلوکیان طغیان نمودند. «مقارن با سال ۲۵۰ پیش از میلاد قبایل پارت که از زمان‌های قدیم در خراسان اقامت گزیده بودند به تحریک رؤسای خود [ارشک] بر علیه حکومت سلوکیان شوریدند» (گدار، ۱۳۷۷، ۱۷۹).

تصاویر کلی سکه‌های اشکانی: تصویر اصلی که روی سکه‌های اشکانی حک شده، به طور حتم نقش شاه شاهان می‌باشد؛ نقش نیم تنه شاه که اغلب به صورت نیم رخ روی سکه‌ها نمایان گشته است. جهت نگاه شاه معمولاً به سمت چپ بود که البته

تصاویر کلی سکه‌های اشکانی: تصویر اصلی که روی سکه‌های اشکانی حک شده، به طور حتم نقش شاه شاهان می‌باشد؛ نقش نیم تنه شاه که اغلب به صورت نیم رخ روی سکه‌ها نمایان گشته است. جهت نگاه شاه معمولاً به سمت چپ بود که البته



تصویر ۳- پشت سکه درهم مهرداد دوم،
ارشک اول بنیانگذار سلسله اشکانی
بر پشت سکه حک شده است.
ماخذ: (امینی، ۱۳۸۹، ۴۳)

استثنایی در این مورد دیده می‌شود. عموماً تصاویری که پشت سکه های اشکانی حک شده، نقش مؤسس این سلسله، ارشک اول است (تصویر ۳).

نقش تاج شاهان اشکانی بر روی سکه ها: با مطالعه و بررسی طرح تاج پادشاهان اشکانی می‌توان آنها را به سه دسته کلی طبقه بندی کرد. هنگام بررسی تاج شاهان طبق دسته‌بندی ذیل می‌توان به سیر تحول تاج شهبازان اشکانی پی برد که

جدول ۲- طرح تاج شاهان اشکانی.

ردیف	نام شاه	تاریخ	نوع تاج	تزیینات مروارید نشان	تزیینات حیوانی	تزیینات شعله سان و میله ای شکل	تزیینات گیاهی	نوار زرین	زبانه دار	توضیحات	تصویر سکه	طرح تاج
۱	ارشک اول	۲۴۷-۲۴۸/۲۵۹ ق.م	کلاه باشلق	X	-	-	-	X	-	-		
۲	مهرداد اول	۱۳۸-۱۷۱ ق.م	نیم تاج	-	-	-	-	-	-	-		
۳	مهرداد دوم	۱۲۳-۸۸ ق.م	گنبدی شکل	X	-	-	X	X	X	-		
۴	سنتروک	۷۰-۷۷ ق.م	گنبدی شکل	X	-	X	X	X	X	-		
۵	فرهاد سوم	۷۰-۵۷/۵۸ ق.م	گنبدی شکل	X	X	-	X	X	X	نقش گوزن زینت گر تاج فرهاد سوم است که این نقش بسیار نادر است.		
۶	ارد اول	۵۷-۳۷ ق.م	گنبدی شکل	X	-	-	X	X	X	-		
۷	ونن دوم	۵۱	گنبدی شکل	X	-	-	X	X	-	-		
۸	پاکر دوم	۷۸-۸۳	گنبدی شکل	X	-	X	-	X	-	تاج وی در بالا دارای تزیینات حلقه ای شکل است و نواری که زینت گر تاج وی شده، به صورت مخطط است که در پشت به دو گره تو در تو ختم می‌شود.		
۹	خسرو	۱۰۹-۱۲۹/۱۳۰ م	نیم تاج	X	-	-	-	-	-	-		
۱۰	بلاش دوم	۷۸-۱۴۸ م	گنبدی شکل	X	-	-	X	X	-	-		
۱۱	بلاش چهارم	۱۹۱-۲۰۸ م	گنبدی شکل	X	-	-	X	X	-	-		
۱۲	اردوان پنجم	۲۱۳-۲۲۴ م	گنبدی شکل	X	-	X	X	X	X	-		



تصویر ۵- طرحی از نیم تاج زرین شاهان اشکانی



تصویر ۴- طرحی از کلاه باشلق شاهان پارتی.



تصویر ۶- طرحی از تاج های مجلل اشکانی

از کلاه نمدی اشراف زادگان پارت به تاج های مجلل و مرصع تحول یافته اند. بنابراین، طبقه بندی تاج شاهان اشکانی بدین ترتیب می باشد:

دسته اول: تاجی که فرمانروایان پارت در ابتدا بر سر خود می گذاشتند و نقش آن بر روی سکه ها حک شده، به صورت کلاه ساده پارتیان بوده است. «در آغاز شاهان اشکانی دارای کلاهی ساده بودند که به کلاه باشلق معروف است» (سرفراز و آورزمانی، ۱۳۷۹، ۳۲). به نظر می آید که کلاه باشلق شاهان اشکانی از جنس پارچه های ضخیم باشد و دارای زبانه هایی بوده که، روی گوش ها و پشت گردن پادشاهان را محافظت می کرده است (تصویر ۴).

دسته دوم: بعد از مدتی کلاه باشلق به نیم تاج ساده ای بدل گردید. «از دوران شهر یاری مهرداد اول، تاج بصورت نوار ساده یا مخطوطی است که در پشت سر گره خورده و تا پشت شانه آویزان شده است» (بیانی، ۱۳۷۴، ۴۰). مطمئناً نیم تاج پادشاهان اشکانی زرین و مطلا بوده است، زیرا اینگونه تاج در خور شاهان امپراتوری با شکوه اشکانی می باشد (تصویر ۵).

دسته سوم: تاج های مجلل و با شکوه این گروه، که بیانگر کار هنری و جواهر سازی دوره اشکانی اند، به صورت تاج های گنبدی شکل مزین به انواع جواهرات و درهای گران بها بر روی سکه های مخصوص شاهان اشکانی حک شده اند. نخستین بار مهرداد دوم از این تاج های با شکوه که بدون تردید جزء شاهکارهای هنری عهد باستان محسوب می شوند، بر سر نهاد، و از آن پس بین دیگر شهریاران پارت رایج گردید (تصویر ۶).

جهت بررسی و مطالعه دقیق تاج شهریاران اشکانی جدول ۲ تنظیم شده است. تاج برخی از شاهان اشکانی شباهت زیادی به یکدیگر دارند که در جدول از تکرار آن خودداری می شود.

سکه های ساسانی

شهرها، استعمال سکه وسعت یافت و تعداد فراوانی از درهم های سیمین ساسانی در ایران یا در ممالک مجاور یافت شده است» (گیرشمن، ۱۳۷۴، ۴۰۸).

تصاویر کلی سکه های ساسانی: مسکوکات این دوره دارای نقوش متنوعی هستند. نقش اصلی نقر شده بر روی سکه های ساسانی تصویر شاه شاهان است به صورت نیم تنه سه رخ، در حالیکه سرش در حالت نیم رخ و جهت نگاهش به سمت راست است. تصویر شاهان به صورت واقعه گرا توسط هنرمندان و صنعتگران حکاکی شده است. با بررسی تصویر شاهان ساسانی می توان به شناسایی سیمای شهریاران ساسانی، نوع آرایش موی ایشان و زیورآلات مورد استفاده ی هر کدام پی برد. سیاست و مذهب دو روی سکه های ساسانی بود. در یک روی سکه نقش پادشاه که در رأس مملکت قرار داشت، نقر می گردید و در آن روی سکه نقش آتشدان که دو موبد در حال نگهبانی از آتش

بنیان گذار سلسه ی ساسانی اردشیر بابکان بود، که توانست از ضعف دولت مرکزی اشکانی، مشکلات و درگیری های داخلی و خارجی آخرین شاه اشکانی، اردوان پنجم، استفاده کند و با به راه انداختن شورش علیه وی مدعی تاج و تخت شود. «در شوش به سال ۲۲۴ م جنگی بین اردشیر و سپاه اشکانی درمی گیرد. در جریان این جنگ شاه اشکانی به دست اردشیر کشته می شود» (گیرشمن، ۱۳۷۰، ۱۲۳).

سکه های ساسانی نمونه بارزی از هنر فلزکاری ایران باستان هستند، که در این عهد به اوج خود رسید. از تمامی شاهان ساسانی سکه هایی یافت شده است؛ از اینرو سکه های این امپراتوری بزرگ منبع بسیار موثق و جامعی برای محققان می باشد. سکه های ساسانی به عنوان پول رایج آن روزگار، در دیگر ممالک استفاده می شده است. «مسکوکات ساسانی - سیمین، مسین - و به ندرت زرین در مبادلات تجاری در منطقه ای وسیع جریان داشت ... در

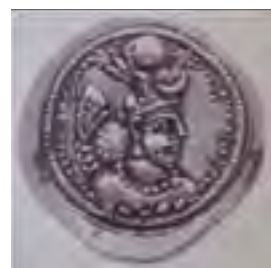
مظاهر آسمانی تعیین می شد و آن را با اشکال ستارگان، ماه، خورشید، اجرام آسمانی و زمین می آراستند» (پوپ، ۱۳۸۰، ۶۸). از این گونه نقوش سماوی که به تاج شاهان ساسانی آراسته گشته می توان به نقش ماه اشاره کرد. بسیاری از محققین همانند آرتور کریستن سن^۵، حمزه اصفهانی^۶ و اکرم^۷ معتقدند که هلال



تصویر ۷- پشت سکه نقره شاهپور اول، نقش آتشکده با دو نگهبان در دو طرف آن قابل مشهود است. ماخذ: (امینی، ۱۳۸۹، ۱۲۲)



تصویر ۸- سکه شاهپور اول، تاج وی بر روی سکه دارای کنگره‌ی سه گانه است که پوپ به آن اشاره کرد. ماخذ: (امینی، ۱۳۸۹، ۱۲۲)



تصویر ۹- سکه ای از بزدگرد اول، تاج وی مزین به نقش ماه است. ماخذ: (امینی، ۱۳۸۹، ۱۲۸)



تصویر ۱۰- سکه ای از بهرام اول، پرتوهای خورشید را به وضوح می توان بر روی تاج وی مشاهده کرد. ماخذ: (امینی، ۱۳۸۹، ۱۲۳)



تصویر ۱۱- سکه ای از نرسی با نقوش گیاهی بر روی تاج وی ماخذ: (امینی، ۱۳۸۹، ۱۲۴)

مقدس هستند، نشان داده می شد (تصویر ۷).

نقش تاج شاهان ساسانی بر روی سکه‌ها: تاج شاهان ساسانی بسیار متنوع و زیبا بر روی سکه‌های این دوره ظاهر گشته‌اند. در عهد ساسانی هر پادشاهی که به سلطنت می‌رسید تاج ویژه خود را بر سر می‌نهاد و این امر کمک شایانی است برای، باز شناختن شاهان از یکدیگر. به طور کلی تاج شاهان ساسانی دارای یک پایه و اساس مشترک بوده است. پورحقانی این موضوع را این گونه بیان می‌کند: «در دوره ساسانیان تاج اصالتی خاص پیدا می‌کند. تاج عموماً دارای هلال گوی داری بوده که در تاج به شکل کنگره یا بال به همراه دیهیم^۸ قرار می‌گیرد» (پورحقانی، ۱۳۷۷، ۴۴). تاج‌های ساسانی نمایانگر باورهای مذهبی و اساطیر رایج ایرانیان آن عهد هستند. تاج‌هایی که شاهان آن دوره بر سر می‌گذاشتند، عموماً به صورت کنگره‌دار که همراه تزیینات نمادین دیگر بر روی سکه‌ها حک شده‌اند؛ نقوشی همچون هلال ماه، ستاره، گوی، پرند یا بال‌های پرند و گیاهان زینت‌گر تاج‌های شاهان ساسانی بر روی سکه‌ها شده‌اند. هر کدام از این نقوش معنای سمبلیکی مختص به خود را دارد، که در اساطیر و مذهب عهد ساسانی ریشه دوانده‌اند.

بررسی نمادین نقوش تاج‌های ساسانی: «سپاس و حق‌گذاری نسبت به چیزهایی که اورمزد داده از خصوصیات بارز ایرانیان مزداپرست بوده ... آسمان روشن، زمین نیک، آتش درخشان، گیاه سرسبز ... همه برای ادامه زندگی بشر لازم و ضروریست باید به بهترین صورت مورد احترام و ستایش قرار گیرد» (عفیقی، ۱۳۷۴، ۲۶۸). فرمانروایان ساسانی که خود را نماینده اهورامزدا بر روی زمین می‌دانستند، هم برای نمایان ساختن این مهم و هم برای حمد و ستایش اورمزد، از نمادهای مذکور بر روی تاج‌هایشان سود می‌جستند. یکایک نقوش نمادین تاج شاهان ساسانی در سطور بعدی مورد بررسی قرار می‌گیرد:

نقش کنگره: کنگره‌های تاج‌های فرمانروایان ساسانی احتمالاً برگرفته از سبک تاج هخامنشیان به خصوص تاج آخرین شاه آن دوره، داریوش سوم می‌باشد. «پوپ» اعتقاد دارد که کنگره‌ها نمادی از طبقات سه گانه بهشت‌اند: «گنبد آسمان محاط است از حلقه دندان‌داری که نشانه طبقات سه گانه بهشت است و کره سماوی بر بالای آن قرار دارد» (پوپ، ۱۳۸۰، ۶۸) (تصویر ۸).

نقش گوی: تاج اکثر پادشاهان امپراتوری ساسانی به گویی مزین است، که به اعتقاد نگارندگان نمادی از زمین است و می‌تواند بیانگر این باشد که، شاه بر کل زمین فرمان می‌راند «ایرانیان باستان جهان را گرد و هموار مانند بشقابی تصور می‌کردند» (هینلز، ۱۳۷۱، ۲۷). برخی دیگر از صاحب‌نظران اعتقاد دارند که، گوی نشسته بر تاج شاهان ساسانی نمادی از خورشید است. «بوریحان بیرونی در کتاب آثار الباقیه می‌گوید: «شاهان ساسانی تاجی بر سر می‌گذاشتند که بر آن نقش گردونه خورشید بود ...» (سرفراز و اورزمانی، ۱۳۷۹، ۹۰).

نقش ماه: «پوپ» در کتاب شاهکارهای هنری ایران می‌نویسد: «علائم و نقش تاج فرمانروایان ساسانی بر اساس

شهریاران ساسانی با استفاده از نماد ورثه بر روی تاج هایشان قصد داشته‌اند که خود را شاه همیشه پیروز و قدرتمند معرفی کنند. پرتوهای خورشید: بر روی برخی از سکه‌های ساسانی تاج شاهان، مزین به اشعه و پرتوهای خورشید است (تصویر ۱۰). نور و روشنایی از اصول آیین مزدیسنا و زرتشت هستند، چنان‌که موبدان، نگهبانان آتش مقدس‌اند و هرگز اجازه ندادند آتش مقدس خاموش شود تا مظهری باشد از نور ایزدی، که بر دل مؤمنان بتابد. پرتوهای خورشید حک شده بر روی تاج‌های پادشاهان ساسانی نمادی از مهر^{۱۱} (میترا) ایزد بانوی ایرانی است. «مهر همراه خورشید از مشرق و مغرب می‌رود و بر پیمان‌ها نظارت می‌کند... او پیش از خورشید ظاهر می‌شود و همراهی او با خورشید باعث شده است که بعدها مهر معنی خورشید پیدا کند» (آموزگار، ۱۳۷۶، ۱۹). پرتوهای زینت شده بر روی تاج شاهان ساسانی مظهری از ایزد بانوی مهر است.

نقش گیاهان: طبیعت و مظاهر آن برای ایرانیان باستان معتقد به دین زرتشتی، قابل احترام و تقدس بوده است. یکی از عناصر طبیعی مهم و مورد ستایش ایرانیان درخت و گیاه است. تقدس گیاهان توسط ایرانیان سبب شده تا قرون متمادی، نقش ویژه‌ای در هنر ایرانی را ایفا کنند. «در دوره ساسانی طبیعت جایگاه خاصی داشته و میراث دار همه‌ی آن سنت‌های کهن است. از جمله می‌توان به آیین مانی، زرتشتی و مهری اشاره کرد که در همه‌ی آن‌ها درخت نقش محوری داشته است» (دادور و منصور، ۱۳۸۵، ۱۰۰). شاهان ساسانی مزدپرست نیز به جهت تقدسی که گیاه نزد ایشان داشته است، تاج‌های خود را به آن نقش مزین می‌کردند (تصویر ۱۱).

از طریق مطالعه سکه‌های شاهان این دوره می‌توان به جزئیات تصویری دقیق‌تر آنها پی برد؛ بدین منظور و برای آشکار شدن اینکه کدام یک از شهریاران ساسانی از نقش و نمادهای ذکر شده در سطور بالا برای زینت تاج‌های خود استفاده کرده‌اند جدول ۳ تنظیم شده است. به دلیل اینکه تعدادی از عناصر تزئینی و نمادی به کار رفته در تاج برخی از شاهان ساسانی با یکدیگر شباهت دارند، از تکرار آنها در جدول خودداری شده است.





























ماه جنبه تقدس و جایگاه اسطوره‌ای خاصی در بین ایرانیان باستان عهد ساسانی داشته، چرا که بسیاری از شاهان در تزئین لباس، تخت و تاج شاهی خود از هلال ماه استفاده کرده‌اند. هلال ماه از اواسط قرن پنجم میلادی بر روی تاج شاهان ساسانی ظاهر شده است. شاید که هلال ماه نقش شده بر روی تاج‌ها مظهر آناهیتا^{۱۲}، ایزد بانوی محبوب دین زرتشتی است. این امر بدین گونه قابل تفسیر است، چون در اساطیر ایرانی ماه نمادی از باروری می‌باشد، پس پیوند ناگسستنی با آناهیتا، که در مذهب ایران باستان خدای باروری و زیبایی است، دارد. از سوی دیگر، در مذهب زرتشتی هلال ماه دارای جایگاه ویژه‌ی دیگری نیز هست، از این جهت که هلال ماه به عنوان برسم‌دان^{۱۳} یا ماهروی کاربرد مقدسی در انجام مراسم و آیین زرتشتی دارد. «ماهروی از این جهت گویند که قسمت فوقانی آن که دو انتهای برسم‌ها را نگه می‌دارد، به شکل تیغه ماه است. پادشاهان ساسانی بر روی مسکوکات خود برسم‌دان را حک می‌کردند، چنانکه آتشدان را نیز بعنوان شعار دینی منقوش می‌ساختند» (متین دوست، ۱۳۸۴، ۶۴) (تصویر ۹).

نقش ستاره: نقش ستاره نیز جایگاه رفیعی بین ایرانیان مزدپرست داشته است، بطوریکه شهریاران ساسانی تاج‌های خود را با ستارگان درخشان می‌آراستند. نقش ستاره بر روی تاج‌های شاهان ساسانی نمادی از تیشتر^{۱۴}، یکی از ایزدان مهم و محبوب مذهب ایران باستان است. از این‌رو پادشاهان ساسانی جهت ستایش و گرامی داشت خدای تیشتر، تاج‌های خود را با نماد او یعنی نقش ستاره می‌آراستند.

نقش پرند: بر روی برخی از تاج‌های ساسانی محکوک بر سکه‌ها، نقش پرند یا بال‌های برافراشته آن مشهود است. این نقش زیبا نمادی از ورثه^{۱۵}، خدای پیروزی می‌باشد. «بهرام (یا ورثه به معنی در هم شکننده مقاومت) در اساطیر ایران، به‌عنوان خدای جنگ و پیروزی مورد حمد و ستایش قرار می‌گرفت. این ایزد بصورت‌های گوناگونی چون جوان زورمند، گراز و پرند تیز بال تجسم می‌یافت. «از این تجسم‌ها، دو تجسم از محبوبیت بیشتری برخوردار است: یکی به صورت پرند تیز پرواز (احتمالاً باز) و دیگری به صورت گراز که در ایران باستان نمادی از نیرومندی بود» (آموزگار، ۱۳۷۶، ۲۵).

جدول ۳- طرح و نقوش نمادین تاج‌های شاهان ساسانی.

ردیف	نام شاه	دوره حکومت	تاج کنگره‌دار	تاج گوی نشان	نقش هلال ماه	نقش خورشید	نقش گیاه	نقش پرند	نقش ستاره	مروارید نشان	نوار موج	تصویر سکه	طرح تاج
۱	اردشیر اول	۲۲۴-۲۴۱ م	-	X	-	-	-	-	-	X	X		
۲	شاپور اول	۲۴۱-۲۷۱ م	X	-	-	-	-	-	-	X	X		
۳	بهرام اول	۲۷۳-۲۷۶ م	-	X	-	X	-	-	-	X	X		

ردیف	نام شاه	دوره حکومت	تاج کنگره دار	تاج کروی شکل	گوی نشان	نقش هلال ماه	نقش خورشید	نقش گیاه	نقش پرنده	نقش ستاره	مروارید نشان	نوار موج	تصویر سکه	طرح تاج
۴	بهرام دوم	۲۷۶-۲۹۳م	-	X	X	-	-	-	X	-	X	X		
۵	نرسی	۲۹۳-۳۰۳م	-	X	X	-	-	X	-	-	X	X		
۶	هرمز دوم	۳۰۳-۳۰۹م	-	X	X	-	-	-	X	-	X	X		
۷	شاپور سوم	۳۸۳-۳۸۸م	-	-	X	-	-	-	-	-	X	X		
۸	بهرام چهارم	۳۸۸-۳۹۹م	-	X	X	-	-	-	X	-	X	X		
۹	یزدگرد اول	۳۹۹-۴۲۰م	X	X	X	X	-	-	-	-	X	X		
۱۰	پیروز	۴۵۹-۴۸۴م	X	-	X	X	-	-	X	-	X	X		
۱۱	قباد اول	۴۸۸-۴۹۷م	X	-	X	X	-	-	-	-	-	X		
۱۲	خسرو اول	۵۳۱-۵۷۹م	X	X	X	X	-	-	X	X	X	X		
۱۳	هرمز چهارم	۵۷۹-۵۹۰م	-	X	X	X	X	-	-	X	X	X		
۱۴	خسرو دوم	۵۹۱-۶۲۸م	X	-	X	X	-	-	X	-	X	X		
۱۵	اردشیر سوم	۶۲۸-۶۳۰م	X	-	X	X	-	-	X	-	X	X		
۱۶	پوراندخت	۶۳۰-۶۳۱م	-	X	X	X	-	-	X	X	X	X		
۱۷	یزدگرد سوم	۶۳۲-۶۵۱م	X	-	X	X	-	-	X	-	X	X		

نتیجه

با شناخت تاج هر پادشاه می‌توان به بررسی و مطالعه دقیق تر سکه‌ها پرداخت. به دلیل اینکه در هر دوره هر شاه برای خود به طور مستقل سکه ضرب می‌کرده است، پس با مطالعه اجزای تصویری سکه، به خصوص تاج شاهان، و نیز با استناد و تطبیق تصاویر حک شده بر روی سکه‌ها با دیگر آثار هنری

تاج که نمادی از قدرت و برتری شهریاران بود، شاه را به عنوان اول شخص کشور و قدرت مطلق حکومت معرفی می‌کند. نقش با اهمیت و مورد توجه در این تحقیق که بر روی سکه‌ها حک شده تاج شهریاران می‌باشد، که تلاش شده است در روند پژوهش به ضرورت شناخت تاج هر شاه پرداخته شود. در نهایت

برنز می‌باشند. از این دوره سکه‌ای از طلا به دست نیامده است. سکه‌های نقره که ۱۶/۵ گرم داشته‌اند، درهم نامیده می‌شدند. سکه‌های طلای ساسانی را دینار و نقره را درهم می‌نامیدند. همان‌گونه که قبلاً ذکر شد و در جدول ۳ مشهود است، تاج‌های شاهان ساسانی دارای تنوع در فرم، طرح و نقوش نمادین و تزئینی هستند. هر کدام از شاهان این عصر تاج مخصوص به خود و گاهی دو یا چند تاج داشته‌اند. تعدد تاج‌ها به سبب دست‌یابی شاهان به موفقیت‌های سیاسی و یا پیروزی در جنگ‌ها است، به طوری که هر زمان شاهی به موفقیتی دست می‌یافت تاج جدیدی برای خود در نظر می‌گرفت. طرح کلی تاج شاهان ساسانی کنگره دار است که مطمئناً این فرم را از تاج شاهان هخامنشی به خصوص تاج داریوش سوم گرفته‌اند، با این تفاوت که تاج‌های ساسانی بسیار پر آرایه و مجلل تر از تاج‌های شاهان هخامنشی بوده‌اند. موضوع قابل توجه در تاج‌های ساسانی جنبه نمادین بودن آن‌هاست. نقوش نمادین روی تاج‌ها، آن‌ها را در جایگاه اسطوره‌ای قرار داده است. نماد و اسطوره‌ها ناشی از اعتقادات و مذاهب مرسوم در هر دوره هستند، به طوری که نقوش نمادین به کار رفته در تاج‌های شاهان ساسانی نیز کاملاً جنبه مذهبی و در جایگاه حمد و ستایش دین زرتشت و آیین مزدیسنا است. در روند پژوهش تاج‌های حک شده بر روی سکه‌های شاهان سه امپراتوری ایران باستان، از لحاظ فرم، نقوش به‌کاررفته روی آنها در نهایت شباهت و تفاوت‌های آنها مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته شد.

مانند نقش برجسته‌ها، به وقایع تاریخی و رازهای نهفته در دل تاریخ می‌توان پی برد.

سکه‌های طلای هخامنشی به نام زر یک یا دریک وزنی معادل ۸/۴۱ گرم و سکه‌های نقره با نام سیکل ۵/۶۰ گرم ضرب می‌شده‌اند. از طریق بررسی سکه‌های این عصر به این نتیجه رسیدیم که تاج شاهان هخامنشی از فلزات گرانبها همچون طلا و نقره ساخته شدند. با مقایسه‌ی تاج شاهان دوره‌های بعد شاهد این موضوع هستیم که در تاج شاهان اشکانی و ساسانی به غیر از فلزات گرانبها از مواد دیگری نیز استفاده شده است، به عنوان نمونه پارچه‌های ضخیم به کار رفته در کلاه باشلق شاهان اشکانی یا دیبای‌های استفاده شده در تاج‌های شاهان ساسانی. پادشاهان هخامنشی اهمیت چندانی برای به کار بردن نقوش نمادین بر روی تاج‌های خود و حتی سکه‌هایشان قائل نبودند، شاهان اشکانی نیز نقوش نمادین خاصی بر روی تاج‌های خود استفاده نمی‌کردند اما در مقابل شاهان ساسانی علاقه‌ی فراوانی به استفاده از نماد و بیشتر نمادهای مذهبی (دین زرتشت) بر روی تاج‌های خود داشته‌اند.

در مقابل یکتواختی فرم تاج‌های شاهان هخامنشی، شاهد تنوع فرمی در شکل تاج‌های شاهان پارتی بر روی سکه‌های این عصر هستیم. با مطالعه و بررسی سکه‌های این دوره می‌توان به سیر تحول تاج شهریاران اشکانی پی‌برد، که از کلاه ساده نمدی بزرگان و اشراف پارت شروع شده، بعد از تبدیل به نیم‌تاج زرین در زمان مهرداد اول به تاج مجلل و مرصع گنبدی شکل ختم می‌شود. جنس سکه‌های دوره‌ی اشکانی از نقره، مس و

پی‌نوشت‌ها

- ۱ تاج: افسر یا تاج کلاهی مزین است که شاهان بر روی سر می‌گذاشتند، افسر یعنی روی سر، بر سر، به سر (سرفراز و آوزرمانی، ۱۳۷۹، ۹۰).
- ۲ رضایی در کتاب گنجینه تاریخ ایران اشاره می‌کند «که واحد پول رایج زمان هخامنشی کرشه (Karsha) بوده و این یگانه واژه درست ایرانی است (رضایی، ۱۳۷۸، ۱۱۳۵). اما در بیشتر منابع سکه طلای هخامنشی به نام دریک خوانده می‌شود زیرا «نخستین سکه ایرانی که در دست است و در نوشته‌های پیشینیان یاد شده، همان سکه زرین داریوش است... این سکه را نویسندگان یونانی به نام خود داریوش «دریکوس» خوانده‌اند» (رضایی، ۱۳۷۸، ۱۱۳۳). و پوپ در مورد این‌که چرا نام پارسی جایگزین این واژه نشده است می‌گوید: «سکه‌های طلا را عموماً دریکوی، سکه‌های داریوش می‌دانند. کوشش‌های به عمل آمده برای یافتن مأخذ دیگری برای این صفت، احتمالاً به علت بی‌اهمیت بودن آن دنبال نشد» (پوپ، ۱۳۷۸، ۵۰۷).
- ۳ سکه‌های دوره هخامنشی به دلیل نوع نمایش شاه بر روی سکه در یونان با نام سازیتاری، به معنای کماندار معروف گشته بود (سرفراز و آوزرمانی، ۱۳۷۹، ۱۳).
- ۴ شکل حلقه‌ای با نوارهای بلند مواج است و عموماً در تصاویر شاهان ساسانی در بزم و رزم و شکار با شاه وجود دارد و به وفور در حجاری‌ها، سکه‌ها و ظروف عهد ساسانی دیده می‌شود (پور حقانی، ۱۳۷۷، ۴۴).
- ۵ آرتور کریستین سن «Arthur Christensen» ایران‌شناس معروف دانمارکی است. در دانشگاه کپنهاک به یادگیری و تحصیل زبان‌های فارسی، ترکی، سانسکریت و عربی پرداخت. مقاله‌ها و کتاب‌های بسیاری با موضوعات تاریخ

ایران باستان تألیف کرده است؛ از جمله «ایران از زمان ساسانیان»، «رستم پهلوان ملی ایران»، «رمان بهرام چوبین»، «قباد یکم و رابطه او با مزدک» و...

۶ ابو عبدالله حمزه بن حسن اصفهانی، ادیب و مورخ متولد اصفهان که سال تولد او را حدود ۲۷۰ هجری بیان کرده‌اند. نام برخی از آثار وی چنین است «التنبیه علی حدوث التصحیف»، «کتاب الامثال علی افعال» و...

۷ فیلیس اکرمین «Phylis Ackerman» مورخ آمریکائی آثار هنری ایران، وی همسر آرتور اپهام پوپ می‌باشد که همراه او در ایران اقامت داشتند و پس از مرگشان در اصفهان به خاک سپرده شدند. اکرمین با همسرش در تألیف کتاب چند جلدی سیری در هنر ایران همکاری داشته است.

۸ آناهیتا «Anahita» در پهلوی آناهید و در فارسی ناهید، به معنای نالوده و پاک.

۹ این واژه در اوستا به صورت برسمن «Barasman» و در پهلوی برسمن «Barsum» آمده و مشتق از برز «Baraz» به معنی بالیدن و نمو کردن است (متین دوست، ۱۳۸۴، ۶۴).

۱۰ تیشتر «Tishtrya» در پهلوی تیشتر «Tishtar».

۱۱ ورثرغنه «Verethraghna» در پهلوی ورهرام و در فارسی بهرام.

۱۲ مهر، میثره «Mithra» در پهلوی میترا «Mitra».

فهرست منابع

- آموزگار، ژاله (۱۳۷۶)، *تاریخ اساطیر ایران*، چاپ دوم، انتشارات سمت، تهران.
- امینی، امین (۱۳۸۹)، *سکه‌های ایران قبل از اسلام*، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی پازینه، تهران.
- بریان، پیر (۱۳۸۵)، *امپراتوری هخامنشی*، جلد اول، ترجمه: ناهید فروغیان، نشر قطره، تهران.
- بیانی، ملکزاده (۱۳۷۴)، *تاریخ سکه*، جلد اول، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران.
- پوپ، آرتور ایهام (۱۳۸۰)، *شاهکارهای هنر ایران*، ترجمه: پرویز ناتل خانلری، چاپ دوم، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- پوپ، آرتور ایهام و فیلیس، اکرم (۱۳۸۷) *سیری در هنر ایران*، جلد اول، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- پور حقانی، محمدرضا (۱۳۷۷)، *روح بالدار*، انتشارات مؤسسه فرهنگی هنری ضریح، تهران.
- دادور، ابوالقاسم و الهام، منصوری (۱۳۸۵)، *درآمدی بر اسطوره‌ها و نمادهای ایران و هند در عهد باستان*، انتشارات دانشگاه الزهرا و انتشارات کلهر، تهران.
- رضائی، عبدالعظیم (۱۳۷۸)، *گنجینه تاریخ ایران*، جلد پنجم، انتشارات اطلس، تهران.
- سرفراز، علی اکبر و فریدون، آوزمانی (۱۳۷۹)، *سکه‌های ایران*، انتشارات سمت، تهران.
- شاپور شهبازی، علیرضا (۱۳۸۹)، *راهنمای مستند تخت جمشید*، چاپ دوم، انتشارات سفیران، تهران.
- عفیفی، رحیم (۱۳۷۴)، *اساطیر و فرهنگ ایرانی در نوشته‌های پهلوی*، انتشارات توس، تهران.
- گدار، آندره (۱۳۷۷)، *هنر ایران*، ترجمه: بهروز حبیبی، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- گیریشمن، رومان (۱۳۷۴)، *ایران از آغاز تا اسلام*، ترجمه: محمد معین، چاپ پانزدهم، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- گیریشمن، رومان (۱۳۷۰)، *هنر ایران در دوره پارسی و ساسانی*، ترجمه: انتشارات بهرام فره‌وشی، چاپ دوم، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- لوکونین، ولادیمیرگ (۱۳۸۹)، *ایران ۲*، ترجمه: مسعود گلزاری، مهرداد و وزیر پور کشمیری، نشر کتابدار، تهران.
- متین دوست، احمد (۱۳۸۴)، *باورهای آریائی‌ان*، انتشارات چهار باغ، اصفهان.
- هرودوت (۱۳۸۰)، *تواریخ*، ترجمه: ع. وحید مازندرانی، چاپ دوم، انتشارات افراسیاب، تهران.
- هینلز، جان راسل (۱۳۷۱)، *شناخت اساطیر ایران*، ترجمه: ژاله آموزگار و احمد افضلی، چاپ سوم، انتشارات کتابسرای بابل و نشر، تهران.
- هینلز، جان راسل (۱۳۸۸)، *اسطوره‌های ایرانی*، ترجمه: مهناز شایسته‌فر، انتشارات مؤسسه مطالعات هنر اسلامی، تهران.